

حق حیات سرآمد حقوق بشر محسوب می‌شود زیرا با سلب آن امکان برخورداری از سایر حقوق انسانی وجود ندارد. از جمله مواردی که حق حیات را به مخاطره می‌اندازد، موردی است که سلب حیات به عنوان مجازات برخی جرایم، مشروع و قانونی تلقی می‌شود. تکریم حیات افراد و رعایت نظم و امنیت جامعه اقتضاء می‌کند که برای اعمال این کیفرها ضوابط منسجمی تنظیم گردیده و فقط دولت به عنوان نماینده جامعه اجازه‌ی اجرای این مجازات‌ها را داشته باشد، اصل قانونی بودن محاکمه که یکی از ارکان اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست در بردارنده این مفهوم است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول ۳۶ و ۱۵۹) با رعایت موازین حقوق کیفری اسلام، اصل مزبور پیش بینی شده است و ایران این امر را در معاهدات بین المللی (ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی) امضاء کرده و پذیرفته است، بنابراین ملزم به رعایت این امر در قوانین می‌باشند. با این حال در قوانین کیفری ایران موادی یافت می‌شود که در آن‌ها قانونگذار اجازه‌ی اجرای مجازات‌های سالب حیات (قتل) را به افراد سپرده و بدین ترتیب مجوز قتل‌های خودسرانه را داده و باب سوء استفاده از قانون را برای سودجویان جهت به خطر انداختن جان افراد گشوده است. از مهمترین موارد، مواد ماده ۳۰۲ و ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است. به عنوان نتیجه گیری کلی باید اذعان کرد که، اعطای جواز اعمال کیفر به افراد و شهروندان به خصوص اعمال مجازات قتل، با اصول مسلم و شناخته شده حقوقی و نیز قانون اساسی و سایر قوانین و فتاوی فقهای بزرگ بر ولایت انحصاری حکومت در قضا و اجرای کیفر، و همچنین اصول پذیرفته شده در حقوق جزایی بین المللی در تعارض آشکار است. از این رو، در این تحقیق، با بررسی مصادیق قتل‌های خودسرانه در حقوق جزای ایران و آثار جواز آن، به بررسی تعارض این قتل‌های خودسرانه با اصل منع مجازات‌های خودسرانه در اسناد بین المللی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: قتل خودسرانه، اسناد بین المللی، حقوق جزای ایران، مهدورالدم، محقون الدم.